

روزنامه حریت ارگان حزب عدالت ایران

◆ نادر مرادی حقیقی

بعد از کشته شدن میرزا اسداله غفارزاده اردبیلی سردبیر مجله بیرق عدالت در ماه مه ۱۹۱۸ در گیلان^(۱) که انتشار مجله هم با کشته شدن او متوقف می‌شود. بیرق عدالت ارگان حزب عدالت محسوب می‌شود. بعد از یکسال حزب عدالت روزنامه جدیدی را ارگان حزب اعلام می‌کند به نام حریت به سردبیری آقابابا یوسف‌زاده^(۲) «حریت با قلم نویسندگان با قابلیت و انقلابی چون آقابابا یوسف‌زاده، علی حیدر قاریف - محمدسعید اردوبادی، نعمت بصیر، کامران آقازاده، روح‌اله آخوندوف و سیدجعفر پیشه‌وری و دیگران نوشته شد. (۳)»

«اولین شماره حریت به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۱۹ (۲۱ خرداد ۱۲۹۸) و آخرین شماره آن ۲۴ مه ۱۹۲۰ (۳ خرداد ۱۲۹۹) که از شماره ۱ تا ۲۳ به سردبیری آقابابا یوسف‌زاده و از شماره ۲۳ تا واپسین که شماره ۷۳ می‌باشد به سردبیری سیدجعفر پیشه‌وری بود. (۴)»

خود سیدجعفر پیشه‌وری در این باره می‌گوید: «مترقی‌ترین تشکیلات سیاسی ایرانیان مرا با آغوش باز پذیرفت دستور داد روزنامه حریت را تاسیس و اداره نمایم. (۵)» روزنامه حریت بیشتر برای ایرانیانی که در آذربایجان و آسیای میانه زندگی و کار می‌کردند نوشته می‌شد. «روزنامه حریت به زبان آذربایجانی انتشار می‌یافت لیکن در آن مقالات و اخباری نیز به زبان فارسی درج می‌گردید. (۶)» «حریت در قفقاز و آسیای میانه به‌طور وسیعی انتشار یافته بود، به بالا بردن سطح شعور سیاسی کارگران و به‌طور کلی توده زحمتکش کمک می‌کرد. (۷)» یکی از نویسندگان فعال روزنامه حریت سیدجعفر پیشه‌وری می‌بود او که تحت تأثیر انقلاب سال ۱۹۱۷ قرار گرفته بود. و اینکه روسیه همسایه شمالی ایران محسوب می‌شد و فکر می‌کرد که این انقلاب باعث به حرکت

در آوردن توده‌های ایرانی خواهد شد و در تمامی مقالاتی که در حریت به چاپ رسانده بود، از یک نظام جدیدی که بر اساس آن کارگران و دهقانان به یک عدالت اجتماعی دست پیدا خواهند کرد صحبت می‌کرد. سیدجعفر پیشه‌وری «مقاله‌نویسی در روزنامه حریت را پیش از عهده‌دار شدن سردبیری آن و از شماره‌های اولیه آن شروع کرده بود ضمناً گذشته از مقالات جدی، بعضی طنزهای سیاسی نیز به ویژه در حریت با امضای عجول به چاپ رسانده بود.»^(۸)

مقالات مذکور، که غالباً به مناسبت موضوعات روز قلمی گردیده‌اند، به طور کلی به دو دسته قابل تقسیم هستند: مقالات مربوط به ایران و مقالات مربوط به انقلاب و دولت نوظهور شوروی. موضوع اصلی و برگردان غالب مقالات انقلاب است. او که در «آذربایجان جزء لاینفک ایران» نجات ایران را بسته به تشکیل دولت مقتدر و تشکیل چنان دولتی را در گرو اجرای اصول اساسی حکومت مشروطه عامه می‌دانست، اینک می‌نوشت که «مشروطه و قانون اساسی فعلی به صورتی پوسیده چیزی جز برآورد کننده آرزوهای مثنی ملاک و خوانین نیست. از همین روی است که ماده‌فانان و کارگران را به سرنگون کردن این مشروطه پوسیده و تشکیل جمهوریت شورایی به جای آن دعوت می‌کنیم.»^(۹) او در مخالفت با آنهایی که وقوع انقلاب را در ایران آن زمان ناممکن می‌دانستند، طغیان امثال امیر عشایر و اسماعیل آقا (سمیتکو) و بعضی شورش‌های خودجوش هر از گاهی در نقاط مختلف ایران را نشانه‌هایی از تشدید نارضایتی عمومی و مقدمه درگیری انقلاب دانسته، اظهار می‌داشت که «ایران آبستن یک انقلاب است، آن هم انقلابی پرولتری!»^(۱۰) و «اندیشه انقلاب در ایران بیدار شده، زحمتکش‌ان ایران حقوق خود را فهمیده‌اند. آنها ضمن شرکت در انقلاب دنیا به فکر اجرای اصول اشتراکیت (کمونیسم) در ایران هستند. ما به پیروی آنها ایمان داریم. . . دیگر بشریت از حیات و گذران کهنه به تنگ آمده؛ در طلب دنیای نو است. ایرانیان نیز عضوی از همان انسانیت هستند. . .!»^(۱۱) او با شوری خاص از انقلاب روسیه و تأثیرات جهانی آن دم می‌زد: «. . . انقلاب روسیه تأثیر دوران‌ساز خود را گذاشته است. فقرای کاسبه به واسطه انقلاب اکتبر به قدرت رسیده، حاکمیت شورایی را اعلام کردند. انقلاب روسیه نه تنها بر ملل روسیه اثر نهاده، در سراسر دنیا نیز تأثیر گذاشته است. این انقلاب در همه جا اندیشه حاکمیت فقرا را بیدار کرده، آرمان کمونیسم در هر جا راه یافته، انقلاب آرام و گام به گام نه، که رعدآسا پیش‌تاخته، دژ کاپیتالیسم و امپریالیسم، را در محاصره گرفته است. به ویرانی آن دژ ایمان بیاوریم.»^(۱۲)

وی بر آن بود که «انقلاب روسیه به خاطر فقرای کاسبه آغاز شده، به پیروزی فقرای کاسبه و انقلاب دنیا منجر خواهد شد.»^(۱۳) و «روسیه اصول فدراسیون را پذیرفته، استقلال ملی را به رسمیت می‌شناسد. امروز در ترکستان، استونی، اوکراین و . . . دولت‌های ملی شورایی متحد

با روسیه وجود دارد که روسیه انقلاب ابدا در امور داخلی آنها مداخله نمی‌کنند. . . .^(۱۴) بنابراین «اگر از دیدگاه زحمتکشی و ملت‌پروری به مسئله نگاه کنیم، چاره‌ای جز ملحق شدن به نیرویی که با توانگران غرب مبارزه می‌کند، نداریم. به نظر ما همان‌طور که کاپیتالیست‌های غرب خصم جانمان هستند، ملاکان ایران هم دشمنانمان می‌باشند. اتحاد با پرولتاریای روسیه پیش از آن که منافع ملی‌مان را حفظ می‌نماید، منافع طبقاتی ما را نیز تامین خواهد کرد. زیرا که کاپیتالیسم اروپا ما را نه به خاطر خصوصیات ملی‌مان، بلکه از برای منافع تجارتي - طبقاتی خودش است که می‌خواهد تحت اسارت قرار دهد.»^(۱۵)

در اولین شماره روزنامه حریت که به تاریخ ۲۰ خرداد ۱۲۹۸ می‌باشد مقاله‌ای تحت نام «مسلک حریت» به چاپ رسیده بود که ایده و تفکر حزب عدالت ایران در آن منعکس شده بود.

«در شماره نخست روزنامه، در مقاله‌ای تحت عنوان «مسلک حریت» چنین نوشته شده است: «حریت» روزنامه‌ایست که ایده و تفکر حزب عدالت ایران را انتشار می‌دهد. «حریت» وظیفه نشان دادن راه مبارزه را به توده‌های کارگر و زحمتکش ایران بر عهده خود گرفته، نیازهای توده‌های نالان در زیر پنجه ستمگران را در خود منعکس خواهد کرد. . . . «حریت» بر ضد قتل عام‌های ملی و جنگ‌های بین‌دولت‌ها بوده، علیه کشته شدن میلیون‌ها انسان مبارزه می‌کند. . . . «حریت» نخستین روزنامه سوسیالیست است که شروع کرده است به نشان دادن راه مبارزه برای دهقانان زحمتکش ایران که علیه خان‌ها و ملاکان استثمارگر خود مبارزه می‌کنند، «حریت» آشنا کردن آنها را با حقوق مادی و معنوی‌شان و وظیفه خود می‌داند.»^(۱۶)

روزنامه حریت در مقالات بعدی به افشاگری چهره‌هایی که حاضر شده بودند با بستن قراردادهایی، ایران را به مستعمره انگلیس تبدیل کنند به مبارزه برخاسته بود.

«روزنامه حریت برای انتشار ایده‌های حزب عدالت ایران بیدار کرده، توده‌های زحمتکش ایران و جلب نمودن آنها به صفوف مبارزه، مقالات قاطع و ساده‌ای درج کرده، می‌کوشید تا بودن کشور را در دست‌های خاین سیاست‌بازان خود فروخته، افشا نماید. روزنامه در شماره ۷ خود، از وضعیت سیاسی کشور بحث کرده، تبدیل شدن حکومتگران ایران به نوکران انگلیس با دلایل و شواهد کافی اثبات کرده؛ توده‌های خلق را برای نجات کشور به مبارزه علیه و توثق‌الدوله فرامی‌خواند. روزنامه ضمن دنبال کردن این اندیشه، توضیحات و وسیعی درباره اعمال چرکین ماموران حکومتی که با احتکار ارزاق عمومی و اعمال انواع تضییقات مردم را به سوی یک زندگی غیر قابل تحمل می‌رانند، داده، سرانجام به این نتیجه می‌رسید که «پرچم انقلاب در بسیاری از کشورهای کره زمین برافراشته شده است. . . . وقت آنست که ایرانیان نیز پرچم انقلاب را برافراشته، زنجیرهای بردگی را پاره کرده، ستمگران را به سزای اعمال خود برسانند. تاکی باید ایرانیان پامال

دشمنان داخلی و خارجی خود کردند؟ ای آفتاب حریت، بر روی ایرانیان به خواب رفته در وادی جهالت پرتوافشان شو، بگذار آنان نیز با پیدا کردن راه‌هایی، آزاد و خوشبخت گردند...»^(۱۷)

در قسمت آخر مقاله، خطاب به کارگران و دهقانان ایران چنین گفته شده بود: «ای کارگر، ای دهقان زحمتکش شما هم به حقوق خود پی ببرید، وثوق الدوله‌ها و فرمانفرماها را بشناسید! زمانه دیگر زمانه بردگی نیست برافراشتن پرچم آزادی و عدالت و رسیدن به آزادی برای تمام توده‌های مبارز ممکن و میسر است.»^(۱۸)

مبارزه حزب عدالت ایران با امضای قرارداد ایران و انگلیس در ۱۹ اوت ۱۹۱۹ نیز در صفحات روزنامه «حریت» انعکاس یافته بود. حزب عدالت ایران توسط روزنامه «حریت» به اعتراضات و مبارزه توده‌ای ایرانیان ساکن قفقاز و آسیای میانه علیه این قرارداد که به قصد تبدیل ایران به مستعمره انگلیس به امضا رسیده بود، دوام می‌بخشید.

به منظور اعتراض به قرارداد، ایرانیان ساکن باکو، به مدرسه «اتحاد» دعوت شدند. اجتماع به رغم مانع‌تراشی‌ها و جلوگیری مرتجعان و کنسول ایران، به ابتکار عدالتچی‌ها در ۲۹ اوت تشکیل گردید. بعد از ایراد سخنرانی‌های هیجان‌آلود، جمعیت حاضر، قطعنامه شدیدالحنی را تصویب کرد، مضمون قطعنامه به قرار زیر بود: ما ایرانیان ساکن در آذربایجان [باکو]، خبر بسته شدن قراردادی را که ایران را به مستعمره انگلیس تبدیل می‌کند، شنیدیم. این قرارداد، خیانت بزرگی است نسبت به خلق‌های ستم‌دیده ایران. از تمام دولت‌ها می‌خواهیم که این قرارداد را به رسمیت نشناسند. دولت‌های انگلیس و ایران نیز باید هرچه زودتر این قرارداد را لغو نمایند. در غیر اینصورت، ۸۵ هزار ایرانی ساکن آذربایجان، زیر پرچم سرخ و نجات‌بخش بلشویزم که می‌رود دنیا را دربر می‌گیرد، از هستی و شرف ملی ایران با اسلحه پاسداری خواهند کرد.^(۱۹)

روزنامه حریت در شماره‌های بعدی به تشریح مرانامه و نظامنامه خود پرداخته و اینکه حزب از چه طبقه‌ای از مردم حمایت کرده در روزنامه حریت به انتشار آن مبادرت می‌کند.

حزب عدالت در بخش مقدمه مرانامه، خود را حزب پرولتاریا معرفی کرده، اعلام داشته است که در راه آزادی و سعادت بشریت زحمتکش مبارزه خواهد کرد. ضمناً در همان مقدمه قید گردیده است که حزب عدالت آنهایی را هم که کارگر و دهقان خالص نیستند، اما آماده‌اند که از حقوق کارگران و دهقانان دفاع نمایند، در صفوف خود می‌پذیرد.^(۲۰)

حزب عدالت ایران خوش‌بختی بشریت را در نظام جامعه بی‌طبقه و تحقق مالکیت عمومی بر وسایل تولیدی دانسته، در مرانامه خود، چنین نوشته بود:

«وسایل تولیدی، اراضی کشاورزی، کارخانه‌ها بایستی از دست افراد گرفته شده، به مالکیت و استفاده عموم واگذار گردد.» برای اجرای این هدف مهم، لازم است که در درجه اول آرمان

سوسیال-دموکراسی ترویج شده، توده‌های آزادی دوست را به‌مثابه یک نیروی عظیم گردآورده، حاکمیت دموکراتیک خلق را تشکیل داد. برای به وجود آوردن چنین قدرتی باید تمام کارگران و زحمتکشان ایران در اطراف حزب عدالت گردآمده، متحد شوند.^(۲۱)

حزب عدالت در ۲۲ ماده مرامنامه خود، حل مسائل حاکمیت خلق، ملیت، آموزش و پرورش، بهداشت، قشون، دادگاه و نیز آزادی‌های دموکراتیک را در جهت منافع توده‌های زحمتکش خلق و تحقق آنها را وظیفه اصلی خود قرار داده بود.

۱۳ ماده مرامنامه به امر بهبود شرایط کار و زندگی کارگران اختصاص داده شده بود.^(۲۲) نظامنامه ۸ ماده‌ای فرقه درباره حقوق و وظایف اعضا و نظام داخلی حزب به مانند نظامنامه‌های احزاب پرولتری تنظیم یافته بود.

قسمت فارسی مرامنامه عیناً از زبان آذربایجانی ترجمه شده بود. تنها بخش اضافی آن که در قسمت مقدمه بود، ترجمه و نقل می‌گردد: «خیر بر شر غالب آمد. دوره عدالت آغاز گردید. «عدالت» آفریده شده بوسیله کارگران و زحمتکشان ایران نخستین حزبی است که برای باز گرفتن حقوق پایمال شده پرولتاریای ایران از غاصبان تشکیل شده است.» عدالت تمام توده‌های زحمتکش را بدون قایل شدن تبعیضی به زیر پرچم خود فراخوانده، می‌گوید: «همه پرولتاریای جهان، همه کارگران و زحمتکشان ایران، متحد شوید.»^(۲۳)

پی‌نوشت‌ها:

۱- روزنامه آژیر، شماره ۷۸، . . . از ورود اسدالله غفارزاده به واسطه شخصی که در جنگل دست داشت ولی میل ندارم اسمش را ببرم، تجار و مخالفین حزب اطلاع پیدا کرده، بیچاره را پیش از اینکه خود را به جنگل برساند، در خیابان‌های رشت مورد حمله قرار دادند. به واسطه اشخاصی که اسم آنها را لازم نمی‌دانم به قلم بیاورم. نماینده رسمی شورای باکو (غفارزاده) زخمی شده از پا درآمد. نیابت نظمی به بهانه مدافعه و حمایت و جلوگیری از تحقیر و توهین مداخله کرده، او را در حال بیهوشی توقیف نمود و شبانه به واسطه همان شخص که آمدن او را به دشمنانش اطلاع داده بوده، خود در نظمی کار می‌کرد، در یکی از اتاق‌های تاریک زندان به قتل رسید.

به نوشته سلام‌الله جاوید، اسدالله غفارزاده به توسط شائو میان؛ صدر شورای باکو به گیلان فرستاده شد تا کوچک‌خان را قانع به جلوگیری از پیشروی سرهنگ پیچراخوف، فرمانده قزاقان روسی ضدانقلابی به طرف باکو نماید. فرقه استقلال که با حزب عدالت و رهبر آن دشمنی داشت، از رفتن غفارزاده به گیلان خبردار شده، چند نفر را مامور کشتن غفارزاده کرد. شایع بوده است که باعث قتل غفارزاده، واعظزاده نامی بوده است.

رج ک . سلام الله جاوید ، «گوشه‌ای از خاطرات» جلد سوم ، ص ۲-۱ . و «خاطرات من درباره حزب سوسیال دموکرات عدالت ایران» (به زبان آذربایجانی) ص ۱۵-۱۳ .

۲- آقابابا یوسف‌زاده هم از بنیانگذاران حزب عدالت ایران بود . در سال ۱۸۹۵ به دنیا آمده ، در سال ۱۹۱۶ ، هنگامی که هنوز در مدرسه درس می‌خوانده ، به فعالیت سیاسی پرداخت . یوسف‌زاده که با ضمانت آلیوشا جاپاریدزه به عضویت حزب سوسیال-دموکرات کارگری روسیه پذیرفته شده بود ، در سال ۱۹۵۷ در راس کانون دانش‌آموزان حزب قرار گرفت . او بعد از اتمام تحصیل به بالاخان رفته ، با وظیفه مبلغ در تشکیلات کارگری کار کرده ، بارها به وسیله ژاندارم‌ها دستگیر و زندانی شده بود . یوسف‌زاده در بالاخانی به عنوان دبیر اتحادیه کارگران نفت انتخاب گشته بود . وقتی در اوایل سال ۱۹۵۸ تعداد زیادی از انقلابیون زندانی گشته ، به سیبری تبعید شدند ، یوسف‌زاده نیز نتوانست در باکو ماندگار بشود و بنابراین به قوبا رفته ، در آنجا با راهنمایی مشدی عزیز بگوف ، برای تشکیل کانون‌های گروه‌های «بیرق نصرت» و سپس «همت» تلاش کرد .

آقا بابا یوسف‌زاده در فعالیت گروه عدالت ایران مستقیماً شرکت کرده ، در تشکیل حزب عدالت ایران در سال ۱۹۱۷ نقش مهمی ایفا کرده است .

۳- پیدایش حزب کمونیستی ایران ، ت . ا . ابراهیموف (شاهین) ، ترجمه رادنیا ، ص ۱۶۳ ، نشر گونش ، چاپ اول ، بهار ۱۳۶۰ .

۴- آخرین سنگر آزادی ، رحیم رئیس‌نیا ، ص ۲۸ ، نشر شیرازه ، چاپ اول ، ۱۳۷۷ .

۵- نقل از روزنامه آژیر ، جعفر پیشه‌وری ، شماره ۹۱ .

۶- پیدایش حزب کمونیست ایران ، ت . ا . ابراهیموف (شاهین) ، ترجمه رادنیا ، ص ۱۶۴ ، نشر گونش ، چاپ اول ، بهار ۱۳۶۰ .

۷- پیشین .

۸- آخرین سنگر آزادی ، رحیم رئیس‌نیا ، ص ۲۸-۲۹ ، نشر شیرازه ، چاپ اول ، ۱۳۷۷ .

۹- نقل قول از آخرین سنگر آزادی ، رحیم رئیس‌نیا ، ص ۲۸ ، نشر شیرازه ، چاپ اول ، ۱۳۷۷- ایرانتلی لارا انتباه ، حریت ، ش ۳۳ (۲۱ نوامبر ۱۹۱۹) .

۱۰- پیشین ، حریت ، شماره ۵۳ (۶ مارس ۱۹۲۰) / ش ۷۲ (۲۱ مه ۱۹۲۰) .

۱۱- پیشین ، حریت ، شماره ۵۴ (۸ مارس ۱۹۲۰) .

۱۲- پیشین ، حریت ، شماره ۵۵ (۱۵ مارس ۱۹۲۰) .

۱۳- پیشین ، حریت ، شماره ۳۹ ، (۲۲ دسامبر ۱۹۲۰) .

۱۴- پیشین ، حریت ، شماره ۲۴ (۱۲ ژانویه ۱۹۲۰) .

- ۱۵- پیشین، حریت، شماره ۷۲ (۲۱ مه ۱۹۲۰).
- ۱۶- روزنامه حریت، باکو، ۹ ژوئن ۱۹۱۹، شماره ۱.
- ۱۷- روزنامه حریت، ۱۸ ژوئن ۱۹۱۹، شماره ۷.
- ۱۸- پیدایش حزب کمونیست ایران، ت. ا. ابراهیموف (شاهین)، ترجمه رادنیوا، نشر گونش، بهار ۱۳۶۰- حریت شماره ۱۸.
- ۱۹- پیشین، حریت شماره ۱۹.
- ۲۰- پیشین، روزنامه حریت، شماره ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۷.
- ۲۱- پیشین، روزنامه حریت، شماره ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۷.
- ۲۲- پیشین، روزنامه حریت، شماره ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۷.
- ۲۳- پیشین، روزنامه حریت، شماره ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۷.



شُرُوبِ شَکَاہِ عِلْمِ انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی